

## مفهوم سازی استعاری ماهیت آمریکا در صحیفه نور امام خمینی(ره)

مرتضی قائمی<sup>\*۱</sup>  
حسین بیات<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** بحث حاضر درصدد بررسی استعاره‌های مفهومی در کتاب صحیفه نور امام خمینی(ره) در مورد آمریکاست، تا دیدگاه امام(ره) در مورد ماهیت آمریکا در خلال تحلیل استعاره‌های شناختی پدیدار گردد. روش‌شناسی پژوهش: تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تحلیل استعاره مفهومی انجام شده است. در این روش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ابزارهای شناختی تحلیل استعاره مفهومی، تعبیر استعاری حضرت امام(ره) در خصوص ماهیت آمریکا بررسی و تحلیل شده است. یافته‌ها: با توجه به عملکرد و سوابق آمریکا نسبت به کشورهای مختلف به ویژه ایران، امام خمینی(ره) دیدگاه‌های خاصی نسبت به آمریکا و سیاستمداران آمریکایی داشت. دو استعاره: «آمریکا به مثابه شیطان بزرگ» و «آمریکا به مثابه دشمن اصلی اسلام» بسامد بالایی در صحیفه نور دارد و استعارات متعددی بر پایه «حیوان انگاری» آمریکا شکل گرفته است. کثرت، تنوع، و تکیه بر جنبه‌های فرهنگی و استفاده از نمادهای دینی، و تمرکز بر ستمگری، غارتگری، فریبکاری و دشمنی آمریکا، مهم‌ترین ویژگی‌های این استعاره‌ها در معرفی ماهیت واقعی آمریکاست و «تشخیص» بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده است. نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده، نمایانگر آن است که امام(ره)، ابعاد گوناگون ماهیت و عملکرد آمریکا را در قالب استعاره‌های مفهومی عینی سازی کرده است. در استعارات بررسی شده، مشخص شد امام(ره) از انواع استعاره‌های مفهومی از جمله ساختاری، جهت‌ی و هستی‌شناختی بهره برده و توانسته است با ابزار استعاره مفهومی همه پلیدی‌های ماهیتی آمریکا از قبیل فریبکاری، توحش، خصومت، ستمکاری و غارتگری آمریکا را مجسم نماید.

**کلیدواژه‌ها:** استعاره مفهومی، آمریکا، صحیفه نور امام خمینی(ره).

**Email:** m.ghaemi.basu.ac.ir

۱- استاد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.  
(نویسنده مسئول)

**Email:** bayat.hossein3@gmail.com

۲- دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه سمنان.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

## مقدمه

امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی و اندیشمند و متفکر مشهور جهانی، در مورد موضوعات گوناگون دیدگاه‌های خاصی دارد که در متون و سخنرانی‌هایی که به ارمغان نهاده، تجلی یافته است و با استفاده از روش‌های گوناگون تحلیل متن، قابل مطالعه و بررسی است. صحیفه‌نور، نخستین مجموعه جامع سخنرانی‌ها، نامه‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌های امام خمینی (ره) است. معمار انقلاب در این مجموعه در حوزه‌های گوناگون اظهار نظر کرده است؛ از جمله این که امام (ره) تلاش نموده است ماهیت دشمنان اسلام و انقلاب مخصوصاً آمریکا را با تعابیر مختلف معرفی کند. از جمله راه‌های علمی تحلیل متون، که در تحلیل آثار امام (ره) نیز قابل استفاده است، زبان‌شناسی شناختی است.

پس از توسعه زبان‌شناسی شناختی و معناشناسی شناختی مخصوصاً در دهه ۱۹۸۰، نظریه استعاره مفهومی مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفت و لیکاف<sup>۱</sup> و جانسون<sup>۲</sup> با نگارش کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»، توانستند توجه محققان را به این نظریه جلب کنند. این رویکرد توانست تحلیلی جدید و خاص برای متون مختلف و تفسیر جدیدی از رابطه زبان و شناخت آن و رویکردی برای شناخت نحوه ساختار قالب مفهومی و نحوه ساختن تصورات مفهومی متناسب با فکر و فرهنگ، ارائه دهد. بر این اساس و با توجه دقیق به جایگاه استعاره مفهومی در زبان‌شناسی جدید، می‌توان از این نظریه، برای مطالعه متون مختلف اعم از علمی، فرهنگی و مذهبی استفاده کرد. با توجه به این که استعاره مفهومی ابزارهای مناسبی برای تحلیل عمیق‌تر متن در اختیار پژوهشگر می‌گذارد، متون و تعابیر سیاسی و اجتماعی نیز با این ابزار قابل تحلیل است. از جمله؛ مهم‌ترین دیدگاه‌های امام (ره) را می‌توان در تعابیر و عباراتی مشاهده کرد که ایشان با استفاده از آن‌ها، آمریکا و سیاستمداران غربی را معرفی کرده است. در پژوهش حاضر، تلاش بر این است که با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد استعاره مفهومی، مهم‌ترین عبارات و تعابیر استعاری امام (ره) در خصوص آمریکا را استخراج و با ابزارهای مربوط تحلیل شود و چگونگی مفهوم‌سازی استعاری امام در معرفی ماهیت آمریکا بررسی گردد. هدف تحقیق آن است که با استفاده از تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی در صحیفه نور، تصویر جامع و دقیقی از ماهیت و چهره اصلی آمریکا که با زبان ادبی و پرمغز و محتوا از سویدای دل امام (ره) برآمده، در منظومه فکری ایشان نیز می‌درخشد؛ ارائه گردد. تازگی بحث به آن است که تاکنون تحقیقی در این موضوع، در حوزه استعاره مفهومی مربوط به آمریکا و شناسایی ماهیت آن در نگاه امام (ره) صورت نگرفته است. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های ذیل است.

سؤال اصلی:

۱- مهم‌ترین انواع و ویژگی‌های استعاره‌های مفهومی در تعریف آمریکا در صحیفه نور امام (ره)

چیست؟

---

1. Lakoff  
2. Johnson

سؤال فرعی:

- ۱- رابطه مفهوم سازی استعاری از ماهیت آمریکا با اندیشه و فرهنگ امام خمینی(ره) چیست؟
- ۲- کدام نوع از استعاره در صحیفه نور بیشترین کاربرد را در معرفی ماهیت آمریکا دارد؟
- ۳- کدام استعاره بیشتر مورد تأکید و تکرار امام(ره) قرار گرفته است؟

فرضیه تحقیق بر این است که کثرت، تنوع و بسامد بالای حیوان انگاری و استفاده از نمادهای دینی، مهم‌ترین ویژگی‌های این استعاره‌ها در معرفی ماهیت واقعی آمریکا است و «تشخیص» به عنوان یکی از مهمترین انواع استعاره هستی شناختی، بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده است و دو استعاره: «آمریکا به مثابه شیطان بزرگ» و «آمریکا به مثابه دشمن اصلی اسلام» نیز فراوانی بالایی در صحیفه نور دارد. در این استعاره‌ها، امام(ره) برای مفهوم سازی از آمریکا از حوزه مبدا شیطان بزرگ و دشمن اصلی استفاده کرده است. این شخصیت نماد دینی و اعتقادی برای تمام بدی‌ها و یک موجود منفور و خطرناک است و در آموزه‌های دینی به عنوان دشمن اصلی و عامل هلاکت و انحراف انسان معرفی شده است. در این تصاویر «تشخیصی» که امام(ره)، ارائه نموده آمریکا به مثابه شیطان بزرگ، شیاطین کوچک‌تر را به هدف توطئه چینی علیه ملت ایران دور خود جمع می‌کند. در ادامه، با اشاره مختصر به برخی از مقالات مرتبط با موضوع بحث، پس از توضیحاتی لازم از مفاهیم نظری، در قسمت تحلیل داده‌ها به تبیین و تشریح تصاویر پرمحتوای امام(ره) از چهره واقعی دشمن اسلام و انقلاب- آمریکا جنایتکار- پرداخته و نهایت نتیجه گیری می‌کنیم. فایده اصلی تحقیق حاضر، شناسایی تصویر ماهیت آمریکا در منظومه فکری امام(ره) و شناخت چگونگی مفهوم سازی امام(ره) از رفتار و ماهیت امریکا است که ذات و عملکرد این کشور استعمارگر و سیاست‌های وی را در دسترس مخاطب قرار می‌دهد.

### پیشینه تحقیق

نیکروش (۲۰۲۲) در مقاله ماهیت اقدامات آمریکا علیه ایران در گفتار امام(ره) در دهه ۴۰ و ۵۰، به نفوذ فرهنگی، نظامی، استعمار اقتصادی و سیاسی آمریکا پرداخته و آن را تحلیل کرده است. دارا و بابایی (۲۰۱۹) در مقاله تبیین عینی مفهوم استکبار در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره) در بررسی رابطه ایران و آمریکا، به بررسی مصداق عینی مفهوم «استکبار» و «ضد استکبار» در اندیشه امام پرداخته و نشان می‌دهند از نگاه امام مصداق عینی مفهوم استکبار نظام امریکا است و مصداق عینی نظام ضد استکبار نظام ایران است. فرجی و دیگران (۲۰۱۸) در مقاله مبانی قرآنی کلام امام خمینی(ره) آمریکا شیطان بزرگ است؛ به توصیف و بررسی برخی ویژگی‌های شیطان؛ از جمله دشمن آشکار انسان، وعده فقر و امر به فحشاء و... می‌پردازد و در نهایت نتیجه می‌گیرد که مصداق امروزی این شیطان آمریکای جهان خوار می‌باشد. جلیلیان (۲۰۱۸) در مقاله ماهیت غرب از دیدگاه امام خمینی(ره) و بازتاب آن در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۶۸) به شناخت و تبیین گفتمان‌های موجود در سیاست‌های خارجی می‌پردازد. در زمینه تحلیل زیباشناختی استعاره در دنیای سیاست نیز: قربانی‌شیخ

نشین (۲۰۱۱) استعاره‌هایی را بررسی و تحلیل کرده است که غالباً در روابط بین‌الملل کاربرد دارند. آیین‌وند (۲۰۱۱) نقش استعاره در گفتمان سیاسی را بررسی و تحلیل نموده و تشویق و ترغیب را از انگیزه‌های غالب استعاره در سیاست دانسته است. جلوداریان و اسماعیلی (۲۰۲۰) با بررسی استعاره‌های مفهومی در اخبار مطالعه تاکید کرده‌اند که استعاره‌های مفهومی در اخبار بسامد بالایی دارند؛ چون در درک پیام و تأثیر بر مخاطب نقش مهمی ایفا می‌کنند. وسترمارک<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) استعاره‌های تشخیصی در گفتمان سیاسی آمریکا را بررسی کرده است. او به این نتیجه رسیده است که رؤسای جمهور آمریکا از استعاره‌ها به‌ویژه استعاره‌های تشخیصی مکرراً استفاده کرده‌اند تا مردم آمریکا بهتر باورهای رئیس جمهور را درک کنند. کریمووا<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نیز استعاره‌ی سیاسی در سخنرانی‌های اوباما را بررسی کرده است و به نقش استعاره در آگاهی و درک عمومی و تغییر آرای عمومی تأکید نموده است. از این دست پژوهش‌ها بسیار انجام شده است که به برخی نمونه‌ها اشاره شد.

با بررسی پژوهش‌های فوق و تحقیقات مشابه، به نظر می‌رسد که پژوهش حاضر، اولین پژوهشی است که به مطالعه چگونگی مفهوم‌سازی استعاری آمریکا در صحیفه نور و اندیشه امام خمینی(ره) می‌پردازد.

### استعاره‌ی مفهومی

استعاره یک مبحث بسیار مهم در زبان‌شناسی است که از زمان ارسطو تاکنون تحولات مفهومی زیادی را تجربه کرده است و همواره مورد تأمل پژوهشگران بوده است به‌ویژه در بلاغت اسلامی توسط بزرگانی چون عبدالقاهر جرجانی و سکاکی و همچنین در چند دهه اخیر که استعاره مفهومی مطرح شده است. نخستین بار ارسطو اصطلاح استعاره را مطرح کرده است. «وی معتقد بود که استعاره نوعی مقایسه‌ی تلویحی است که بر اصل قیاس استوار است. به نظر او کاربرد استعاره اساساً امری تزئینی است. به عبارت دیگر استعاره لازم و ضروری نیست؛ بلکه صرفاً زیباست» (گلفام و یوسفی‌راد، ۲۰۰۲: ۶۱).

یکی از حوزه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌ی مفهومی است. قید «مفهومی» به رویکرد جدید زبان‌شناسی در تعریف و تحلیل استعاره اشاره دارد. بر اساس این نظریه، که توسط لیکاف و جانسون رسماً در سال ۱۹۸۰ ارائه شده، «نظام تصویری ما، نقشی اساسی را در تعیین حقائق روزمره بازی می‌کند و اگر به درستی بگوییم نظام تصویری ما اغلب طبیعت استعاری دارد، پس باید گفت، تفکر و تعامل و رفتار روزانه ما به شکل مستحکمی با استعاره در ارتباط است» (لایکوف و جونسن، ۲۰۰۹: ۲۲) بر این اساس استعاره را بیشتر باید در حوزه ذهن و ادراک بررسی و تحلیل کرد و آنچه در زبان تجلی پیدا می‌کند انعکاس همان فرایند و اتفاقی است که در ادراک و شناخت روی داده است. بنابراین «در زبان‌شناسی شناختی، استعاره مجموعه‌ای است از مطابقت‌های مفهومی، یا در اصطلاح دقیق‌تر، نگاشت بین دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد است. مطابقت بین یک حوزه مبدأ با یک حوزه مقصد یک استعاره مفهومی را ایجاد می‌کند. عبارات

1. Vestermark, I

2. Karimova, V

استعاری زبان‌شناختی (استعاره‌های زبانی) در واقع نموده‌های این استعاره‌های مفهومی (استعاره‌های موجود در ذهن) هستند» (کوچش، ۲۰۱۵: ۴۶).

در هر استعاره مفهومی با دو حوزه سروکار داریم؛ یکی حوزه‌ای که معمولاً انتزاعی‌تر است، به واسطه حوزه دیگر که معمولاً ملموس‌تر است، مفهوم‌سازی می‌شود. حوزه عینی‌تر حوزه مبدأ و حوزه انتزاعی یا حوزه‌ای که نسبت به مبدأ از عینیت کمتری برخوردار است، حوزه مقصد نامیده می‌شود. در حقیقت حوزه مقصد، حوزه‌ای است که تلاش می‌کنیم، مفهوم آن را در قالب حوزه مبدأ تصور و درک نماییم.

«لیکاف و جانسون (۱۹۸۰م) استعاره‌های مفهومی را با توجه به ویژگی‌های حوزه مبدأ در سه طبقه قرار دادند که عبارتند از: استعاره‌های ساختی (Structural Metaphor)، استعاره‌های جهت‌ی (Orientational Metaphor) و استعاره‌های هستی‌شناختی (Ontological Metaphor). سپس لیکاف و ترنر (۱۹۸۹م) طبقه دیگری را تحت عنوان استعاره‌های تصویری (Image Metaphor) به این طبقه افزودند و کووچش (Zoltan Kovecses) از کلان‌استعاره‌ها (Megametaphors) به عنوان پنجمین طبقه استعاره‌های مفهومی نام برد» (افراشی، ۲۰۱۳: ۱۴۲).

در زبان‌شناسی شناختی بر اساس ویژگی‌های مختلف استعاره‌های مفهومی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از استعاره صورت گرفته است. به طور کلی «در زبان‌شناسی شناختی طبقه‌بندی براساس چهار معیار قراردادی بودن، نقش، ماهیت و سطح تعمیم انجام می‌گیرد» (کوچش، ۲۰۱۴: ۷۵). بنابراین انواع استعاره مفهومی عبارتند از:

**قرارداد:** قراردادی و غیر قراردادی

**نقش:** ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی

**ماهیت:** گزاره‌ای و تصویری

**سطح تعمیم:** عام و خاص

در پژوهش حاضر بیشتر از انواع استعاره بر اساس نقش و ماهیت استفاده شده، بنابراین این دو نوع بیشتر معرفی می‌گردد.

### انواع استعاره بر اساس نقش

استعاره ساختاری «ساختار حوزه مبدأ را بر حوزه مقصد منطبق می‌کند و بدین طریق گویندگان را قادر می‌سازد یک حوزه را به وسیله حوزه دیگر درک کنند» (کوچش، ۲۰۱۴: ۷۵). بنابراین در این نوع از استعاره تمام ساختار یک حوزه مبدأ با اجزائی که معمولاً متعدد است، برای تصور و درک حوزه مقصد به خدمت گرفته می‌شود. مثلاً در استعاره "زندگی سفر است" از ساختار حوزه مبدأ "سفر" برای ادراک ساختار حوزه "زندگی" استفاده شده و در آن زندگی با سفر، انسان با مسافر، مشکلات با مانع سفر و تقوا با توشه سفر و... متناظر شده است.

«استعاره‌های هستی‌شناختی درکی عمیقاً بنیادین و در عین حال خام از مفاهیم مقصد به‌دست می‌دهند که در مرحله بعد، مقدمات فهم استعاره‌های ساختاری را فراهم می‌کند» (همان: ۷۵). به‌طور کلی «ما برای درک رویدادها، کنش‌ها، فعالیت‌ها و وضعیت‌ها از استعاره‌های هستی‌شناختی استفاده می‌کنیم. رویدادها و فعالیت‌ها به شکل استعاری براساس اشیاء، فعالیت‌ها و مواد مفهوم‌سازی می‌شوند و مفهوم‌سازی وضعیت‌ها بر اساس ظروف است. برای مثال، مسابقه رویدادی است که یک وجود منفصل به شمار می‌رود. مسابقه در مکان و زمان هستی می‌یابد و مرزهای واضح و روشنی دارد. بنابراین، آن را یک ظرف شامل شرکت‌کنندگان (که اشیاء هستند)، رویدادها مانند آغاز و پایان مسابقه (که اشیاء استعاری هستند) و کنش دوییدن (که ماده‌ای استعاری است) به شمار می‌آوریم» (لیکاف و جانسون، ۲۰۱۵: ۵۸).

تشخیص (شخصیت بخشی)، ماده انگاری و ظرف از انواع مهم استعاره‌های هستی‌شناختی هستند. در قالب استعاره‌های هستی‌شناختی موارد متعددی از «حیوان انگاری»، «گیاه انگاری»، «انسان انگاری» و «شیء انگاری» شکل می‌گیرد، که نقش مهمی در تولید استعاره‌های فراوان دارد و زنجیره بزرگ هستی (انسان، حیوان، گیاه، اشیاء) را در مفهوم‌سازی به خدمت می‌گیرد. مثلاً در «امریکا مار است» حیوان انگاری امریکا شکل گرفته است و در عبارت «زندگی مرا فریفت» انسان انگاری زندگی رخ داده است، چون در تشخیص از ویژگی‌ها، کارها و فعالیت‌های انسان برای مفهوم‌سازی در خصوص غیر انسان استفاده می‌شود و این موارد به مثابه انسان تصور می‌گردد و در عبارت «تورم رشد کرد»، گیاه انگاری تورم صورت پذیرفته است و وقتی گفته می‌شود «فلانی در خوشبختی است»، در خوشبختی، ظرف انگاری مشاهده می‌شود.

استعاره جهتی، نوعی دیگر از استعاره بر اساس نقش است که در آن، مفهومی غالباً انتزاعی با یکی از جهت‌های فیزیکی مفهوم‌سازی می‌شود. به عبارت دیگر «نوع دیگری از مفهوم استعاری وجود دارد که به یک مفهوم در چارچوب مفهوم دیگری ساختار نمی‌بخشد؛ بلکه نظام کاملی از مفاهیم را با توجه به یک نظام کامل دیگر سازماندهی می‌نماید. این استعاره‌ها را استعاره‌های جهت‌مند می‌نامیم؛ زیرا بسیاری از آنها با جهت‌های مکانی پیوند دارند: بالا- پایین، درون- بیرون، جلو- عقب، دور- نزدیک، عمیق- کم‌عمق، مرکز- حاشیه» (همان، ۲۹-۳۰). برای مثال در عبارت «امیر در عرفان به درجات بالا دست یافت» از استعاره بالا خوب است استفاده شده است.

### استعاره‌ها بر اساس ماهیت

استعاره از نظر ماهیت دو نوع است: گزاره‌ای و تصویری. استعاره گزاره‌ای بر طرح‌واره متکی است و غالباً مفاهیم انتزاعی و مجرد را در قالب یک تصور محسوس و تجربی مفهوم‌سازی می‌کند. مثلاً در استعاره «تقوا توشه است» تقوا به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی در قالب توشه مفهوم‌سازی شده است. برخی از استعارات به‌جای طرح‌واره بر تصویر هندسی و فیزیکی تکیه می‌کنند و «شعر (و نثر ادبی) از تصاویری لبریز است که بر اساس تصویر بنا شده است و استعاره‌ی تصویری نامیده می‌شود که حاوی جزئیات

تصویری است؛ اما طرح‌واره‌ها را به خدمت نمی‌گیرد» (بن دحمان، ۲۰۱۵: ۲۶۴) مثلاً وقتی گفته می‌شود: «دست امین همچون نی شده است» برای مفهوم سازی لاغری دست امین، از تصویر نی استفاده شده است.

### استعاره‌ی مفهومی در گفتمان سیاسی

از آنجایی که اغلب مفاهیم سیاسی انتزاعی هستند و ادبیات قوی و مؤثر، جایگاه مهمی در حوزه سیاست دارد، به همین سبب، استعاره نقش ویژه‌ای در گفتمان‌های سیاسی ایفا می‌کند. از سوی دیگر در سیاست، رقابت، اصطکاک و برخورد و تضاد منافع بسیار پررنگ است، بنابراین حوزه‌های مبدا از قبیل جنگ و پیروزی و شکست، دشمنی و دوستی، هجوم و تسلیم و همچنین رقابت و مسابقه و برد و باخت و امثال اینها کاربرد زیادی در مفهوم سازی از سیاست و جریان‌ات سیاسی دارد. برد<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) در خصوص استعاره در گفتمان سیاسی می‌گوید: بسیاری از استعاره‌هایی که در موقعیت‌های سیاسی استفاده می‌شوند، برگرفته از ورزش‌ها یا میادین جنگ هستند، همچنین مفاهیم کلیدی اغلب شامل دشمنان، مخالفان، برندگان و بازندگان می‌شوند.

امام خمینی(ره) به‌عنوان یک سیاستمدار جهانی و به‌عنوان ولی فقیه در جامعه ایرانی، استعاره‌های متنوع سیاسی را با شگردهای گوناگون به‌کار گرفته است و از ظرفیت استعاره برای انتقال پیام‌های سیاسی و فرهنگی و تأثیرگذاری عقلی و عاطفی بر مخاطب، بهره برده است.

### تحلیل داده‌ها

در گفتمان سیاسی امام(ره) در صحیفه نور، انواع گوناگون استعاره مفهومی به خدمت گرفته شده است. نویسندگان پژوهش حاضر از مجموع ۱۱۳ تصویر استعاری موجود در تمامی جلد‌های کتاب ایشان به بررسی و تحلیل تعدادی از این تصاویر که نقش محوری در منظومه فکری امام(ره) دارند، پرداخته‌اند. استعاره‌های تشخیصی و حیوان انگاری و شیء انگاری کاربرد وسیع‌تری در گفتمان سیاسی امام دارد. بنابراین به همین ترتیب در این بحث مطرح می‌گردد.

### استعاره‌های تشخیصی

شخصیت‌بخشی جایگاه مهمی در استعاره دارد، چرا که باعث تقویت پویایی و حرکت در تصور ادراکی است و حتی در نظریات قدیمی استعاره از ارسطو تا عبدالقاهر نیز توجه خاصی به آن شده است. امام از نقش این نوع استعاره و تأثیر فراوان آن به خوبی آگاه است. به همین سبب غالب استعارات به‌کار رفته در کتاب صحیفه نور از استعاره‌های تشخیصی هستند. امام(ره) با کاربرد این استعاره سعی داشته که ماهیت

1. Beard, A

واقعی آمریکا را به مخاطب نشان دهند. در این پژوهش ۱۵ نمونه از تشخیص‌های پرکاربرد و چالشی انتخاب و تحلیل گردید:

#### «آمریکا به مثابه شیطان بزرگ»

در این استعاره، امام(ره) برای مفهوم سازی از آمریکا از حوزه مبدا شیطان بزرگ استفاده کرده است. این شخصیت نماد دینی و اعتقادی برای تمام بدی‌ها و یک موجود منفور و خطرناک است و در آموزه‌های دینی به عنوان عامل هلاکت و انحراف انسان معرفی شده است. در تمامی ادیان حتی در نزد اغلب غیردینداران نیز، شیطان رمز بدی و فریبکاری است. شنونده به محض شنیدن واژه شیطان تصور بدی از مفهوم و موصوف مورد نظر پیدا می‌کند. یکی از تصاویر «تشخیصی» که امام(ره)، ارائه نموده این است که آمریکا به مثابه شیطان بزرگ، شیاطین کوچک‌تر را به هدف توطئه چینی علیه ملت ایران دور خود جمع می‌کند. از جمله امام در صحیفه می‌فرماید: «در این انقلاب، شیطان بزرگ که امریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد، جمع می‌کند» (۲۰۰۷، ۱۰: ۴۸۹) در این استعاره‌های هستی‌شناختی تشخیصی، کشورها و غربزدگانی که در توطئه چینی علیه ملت ایران با آمریکا همکاری می‌کنند، به مثابه شیطان‌های کوچک به تصویر کشیده شده‌اند. بر اساس همین استعاره در کلام امام "امریکا به مثابه ابلیس" و "لشکریان امریکا به مثابه لشکریان ابلیس" مفهوم سازی شده است: «اعلان برائت ... سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای متعال در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است» (همان، ج ۲۰: ۳۱۶). علاوه بر این، امام(ره) برای تقویت تصور مورد نظر خود همان صفاتی را که در قرآن برای شیطان به کار رفته، برای امریکا نیز استفاده کرده است. این صفات که شدت پلیدی و زشتی شیطان را نشان می‌دهد، تصور جامع‌تر و دقیق‌تری نسبت به ماهیت امریکا معرفی می‌نماید؛ مانند وسواس و خناس در: «مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ» (الناس/۴) «جوان‌های ما باید متوجه این معنا باشند که این شیاطین را بشناسند و این وسوسه‌ها، وسوسه‌های آن‌ها است. اینها را بشناسند و به خدا پناه ببرند از وسواس خناس، که در رأسشان امریکاست و اذتاب او» (۲۰۰۷، ۱۰: ۴۷۰). بنابراین در این عبارت استعاره "امریکا، شیطان وسواس خناس است" برای معرفی ماهیت شیطانی امریکا به کار رفته که یکسانی امریکا و شیطان را در ذهن تقویت نموده است.

براساس آموزه‌های اسلامی، ناامیدی و یاس یک ویژگی شیطانی است و وقتی شیطان از گمراهی مؤمنی ناامید می‌شود، ناله می‌زند. امریکا نیز این ویژگی را دارد؛ و به عبارتی "شیطان صفت" است و امام(ره) نیز برای تقویت همسانی امریکا با شیطان و تعمیم تصور مخاطب از شیطان به امریکا از این مفهوم نیز استفاده کرده، می‌فرماید: «الآن این بساطی که امریکا درآورده است و این هیاهویی که این شیطان بزرگ فریاد می‌زند و شیاطین را دور خودش جمع می‌کند، این برای این است که دستش کوتاه شده است (همان: ۴۹۰).



پس، اولاً استفاده از این استعاره در اشکال مختلف منشأ اسلامی و قرآنی دارد، ثانیاً تصویر دقیق و جامعی از ماهیت و رفتار ظالمانه، حيله‌گرانه و زشت امریکا و غربزدگان داخلی و خارجی است. در این استعاره تشخیصی، امریکا با شیطان متناظر است و اذناپ امریکا با شیطان‌های کوچک تناظر دارند و فریب‌خوردگان امریکا با فریب‌خوردگان شیطان در تناظرند.

#### «آمریکا به‌مثابه فرد یا موجودی سلطه طلب و زورگو»

امام(ره) در استعاره‌های دیگر، برای معرفی حوزه مقصد "آمریکا" از حوزه مبدأ "شخصیت ستمگر و زورگو" بهره برده است که تصویر تجربی پرکاربردی در زندگی است و مورد نفرت عموم مردمان است، چون انسان فطرتاً از ستمگران بیزار است و کسی از ستم آنها خاطره خوشی ندارد. در تمامی فرهنگ‌ها نیز قلدری ناپسند و منفور است و این خصوصیت با اخلاق انسانی تناسبی ندارد. بنابراین، در تصویری که امام ارائه داده، امریکای سلطه‌گر، چون "قلدری چکمه پوش" است که ضعیفان را در زیر پای خود له می‌کند: «ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟!» (۲۰۰۷، ج ۱: ۴۲۰). امام(ره) در قالب استعاره‌ای معنادار امریکا را بسان "فردی فضول و دخالتکار" معرفی کرده که به هر قیمت ولو به قیمت پایمال کردن حقوق ملتی چون ایران در زمان پهلوی و بعد از آن، خود یا عمالش در امور مختلف در جهت برآوردن منافعش دخالت مستقیم و غیر مستقیم دارد... امام(ره) مصداق‌هایی را برای اثبات و تبیین فرمایش خود آورده و می‌فرماید: «ما می‌خواهیم ارتش ما آزاد باشد؛ اسرائیل در آن تصرف نکند، امریکا در آن تصرف نکند» (همان، ج ۶: ۱۰۲). در این عبارت، استعاره تشخیصی "آمریکا به‌مثابه شخصی زورگو" به کار رفته است.

#### "آمریکا به‌مثابه ارباب و ملل دیگر به‌مثابه برده"

از زمان قدیم و دوره‌های سیاه برده‌داری، تاریخ صحنه‌های شرم‌آوری را از زندگی بشر به ثبت رسانده است که تصور آن دل هر فرد باوجدانی را به درد می‌آورد. این تصور در گنجینه ذهن انسان ذخیره شده و برای تجسم ظلم و ستم به هموعان استعاره گرفته می‌شود. از همین روی گاهی در کلام امام، زورگویی و ستمگری امریکا در استعاره تشخیصی "آمریکا ارباب است" تجلی پیدا می‌کند؛ چرا که مردم تصویر دقیق و ناخوشایندی از رابطه بین ارباب و رعیت دارند و کلمه ارباب و برده، یادآور ظلم و ستم زورگویان است، به همین سبب "ارباب" حوزه مبدا خوبی برای تصور ستمگری امریکاست و "برده و غلام" حوزه مبدأ دقیقی برای مفهوم سازی حوزه مظلومان و کشورهای استعمار شده است و امریکا با ارباب ظالم متناظر شده است و کشورهای ستمدیده و غارت شده با برده‌ای که باید بی چون و چرا تبعیت کند، تناظر دارد: «آمریکا به شما به نظر یک بنده نگاه می‌کند؛ به نظر یک برده نگاه می‌کند» (همان، ۱۵: ۴۰۵).

### "امریکا لات پرهیاهو و عربده‌کش و تهی‌مغز"

به سبب شجاعت و توکلی که امام(ره) دارد و به سبب همان جهان بینی توحیدی، ضعف و ناتوانی قدرت‌های دنیوی دأثما در کلام امام نمود پیدا کرده و در قالب استعاره‌های مفهومی متعددی به تصویر کشیده می‌شود. امام همگان را به نهراسیدن در مقابل امریکا دعوت نموده و با استفاده از استعاره تشخیصی "امریکا لات پرهیاهو و عربده‌کش و تهی‌مغز است" قدرت و ادعاهای فراوان امریکا را به سخره می‌گیرد. چرا که معمولاً افراد لات و پرهیاهو مورد بی‌توجهی و تمسخر همگان قرار می‌گیرند، به ویژه این که لات بودن و عربده‌کشی با صفت تهی مغز نیز همراه شده و تصویر دقیقی از ضعف و نادانی قدرتهای جهانی در برابر عظمت ایمان و قدرت الهی را مجسم کرده است: «هان ای مظلومان جهان! از هر قشر و از هر کشوری هستید به خود آید و از هیاهو و عربده امریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید» (همان، ۱۲: ۱۴۴). این ویژگی ضمن معرفی بهتر ماهیت نفرت انگیز امریکا، باعث تقویت خودباوری و اعتماد به نفس مسلمانان در شرایط فعلی جهانی است، چرا که ویژگی "لات تهی مغز" امریکا و سیاستمداران غربی را هم از جهت فکری و معرفتی و هم از جهت راهبردی و عملی تحقیر و بی‌ارزش نشان می‌دهد.

### "امریکا به‌مثابه فردی جنایتکار و توطئه‌گر"

قریب به اتفاق تعاملات امریکا با ایران بر اساس الگوی "مجرم و قربانی" صورت گرفته است. لذا امام مکرراً امریکا را "جانی" معرفی نموده و تصویر تشخیصی "یک جنایتکار" را برای عینی سازی ماهیت امریکا به کار گرفته است: «مردم مبارز ایران با دست خالی ولی با نیروی ایمان، دولت امریکای جنایتکار را به زانو درآورده‌اند» (۲۰۰۷، ۱۲: ۳۲). امام دخالت امریکا را نیز ناشی از خوی جنایتکاری او دانسته است که باعث عقب ماندگی کشور ما شده است: «در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرت‌ها خصوصاً امریکا که با مداخله جنایتکارانه خودش در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا پهلوی، ملت ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت... مواجه است...» (همان، ج ۱۲: ۱۵۹). در نگاه تیزبین امام، "امریکا جنایتکاری" است که دستش در حرکات مسلحانه ضد انقلاب و انفجارهایی که ایجاد می‌کردند، دیده می‌شود: «در این قیام‌های مسلحانه در اطراف کشور و در دانشگاه‌ها و در این انفجارهای متعدد در اهواز و غیره، دست جنایتکار امریکا پیداست» (همان، ج ۱۲: ۲۶۴). در نهایت امام(ره) با تصویر تشخیصی "جنایتکار توطئه‌گر"، تناظر دقیقی بین ماهیت پلید امریکا و جنایتکار ارائه نموده است: «هر روز توطئه تازه‌ای از طرف ابرقدرت‌ها و بخصوص امریکای جنایتکار، به مرحله اجرا گذارده می‌شود» (همان، ۱۷: ۶۵). بنابراین در تصور امام، در قالب جنایتکاری مجسم شده است، که برای تداوم و استمرار جنایاتش، مشغول به چین توطئه است و جنایت و توطئه مقدمه هجمه به دیگران و نابودی منافع مظلومان است.

### "امریکا به مثابه سردسته قصاب‌ها و مجرم اصلی"

یکی از استعارات ساختاری پرکاربرد در زبان فارسی و عربی استعاره "بی‌رحمی و کشتار به مثابه قصابی کردن" است که در آن، کشور یا فرد قاتل و بی‌رحم با قصاب تناظر پیدا می‌کند. امام (ره) در برخی از تعبیر استعاری، امریکا را سردسته قصاب‌ها معرفی کرده است. ایشان با این تعبیر تصویری جامع و کامل از ماهیت پلید و ذات خبیث امریکا را ترسیم کرده که گویای عطش سیراب ناشدنی و خصلت خون‌خواری امریکا است. امام در این عبارت که در خصوص جنایات صهیونیست‌هاست می‌فرماید: «این جنایتی است که (اسرائیل) همین دو روز متکفل شده و الآن هم هست. جنایتی که از قراری که بعضی از این آقایان گفتند، امریکا گفته است (اسرائیل) قصابی [راه انداخته]. شما ببینید اگر امریکا یک جایی را بگوید قصابی می‌کند، اگر سردسته قصاب‌ها بگوید که قصابی می‌کند، چه واقعه‌ای در آنجا اتفاق افتاده» (همان، ج ۱۶: ۵۰۴). در تصویر استعاری تشخیصی که امام به خدمت گرفته، "امریکا مجرم اصلی است"، چون منشأ همه گرفتاری‌هاست: «ما همه اشکالمان در امریکایی‌هاست، همه گرفتاری که ما داریم از دست امریکا داریم. ما آن مجرم اصلی را بگذاریم و برویم سراغ اینهایی که تبع هستند و آلت هستند؟ حالا مجرم دست اول، عبارت از امریکاست...» (همان، ج ۳: ۴۰۷). تجربه‌ای که امام در رفتار امریکا نسبت به سایر ملل به دست آورده است، باعث شده امام، قاتلان بی‌رحم جهان را به مثابه گروهی از قصاب‌ها تصور کند که سردسته و بزرگی دارند که در قتل و کشتار، الگو و سردمدار است و او همان امریکاست. این استعاره جایگاه واقعی امریکا در میان جنایتکاران عالم را نشان می‌دهد.

### "امریکا به مثابه پدر بزرگ زورگو و ستمگر داغ‌دیده"

امام (ره) در قالب استعاره‌های پرمحتوا شکست هیمنه امریکا را نشان داده و ملت را هوشیار می‌کنند که وضع کنونی مثل سابق نیست. امام امریکا را در هیات "پدر بزرگ زورگویی" عینی سازی کرده که مدت‌ها به ملت ایران ستم روا داشته؛ اما اکنون توان زورگویی ندارد و فردی ظالم تصور شده که نهضت ملت ایران، داغ بزرگی بر دل او نهاده است: «دیگر امریکا مثل «پدر بزرگ» ما نیست که ما از او اطاعت کنیم» (۲۰۰۷، ج ۴: ۳۸۲) و «داغی که به دل امریکا وارد شده است به واسطه این نهضت به دل هیچ کس وارد نشده است» (همان، ج ۷: ۳۵۷). در این "شخصیت بخشی" نیز بی‌رحمی و ستمگری امریکا عیناً تبلور یافته است. پس در این استعاره، امریکا در لباس پدر بزرگی ستمکار عینیت یافته که زمان قدرت او به پایان رسیده و دچار ضعف و افول شده است و از ناحیه مظلوم ضربه‌ای درفت کرده و داغدار شده است، بنابراین می‌توان در مقابل ستم او ایستاد.

### "امریکا به مثابه شخص دزد و غارتگر"

سابقه امریکا در اذهان جهانیان با تصویر یک دزد سابقه‌دار و حرفه‌ای انطباق کامل دارد. امام نیز برای عینی سازی ماهیت دزد و غارتگر امریکا از استعاره‌های متنوعی بهره برده است: «امریکا مشغول است، شوروی هم مشغول است. مشغول اینند که بچاپند مردم راه، ببلعند مردم را...» (همان، ج ۴: ۳۹). ناراحتی

امام از غارتگری امریکا در حدی است که منکر این غارتگری را وحشی شمرده است: «ما نمی‌خواهیم که امریکا مالمان را ببرد. کسی بگوید مال ما را امریکا نبرد، این آدم وحشی است؟!» (همان، ج ۵: ۲۶). به همین سبب در دیدگاه امام(ره)، رابطه ملت ایران با امریکا رابطه "غارت شده با غارتگر" است: «روابط ما با امریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است؛ روابط یک غارت شده با یک غارتگر است» (همان، ج ۷: ۳۵۷)؛ و «با خضوع در مقابل خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام، دست ظالمانه جباران و غارتگران جهان‌خوار خصوصاً امریکا را از منطقه کوتاه کنند» (همان، ج ۱۷: ۴۸۲). بنابراین حوزه مقصد "امریکا" در قالب عینی و مستدل حوزه مبدأ "شخص چپاولگر" به خوبی نمایان شده است: «در این موقع حساس، که ملت ما با چپاولگران، که در رأس آنها امریکا است، مواجه است، برای احقاق حق خود لازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد می‌کنند به‌طور قاطع جلوگیری کنند» (همان، ج ۱۱: ۵۵). بنابراین در دیدگاه امام، آن دزد اصلی و شاه دزد که مردم از کشور اخراج کردند، امریکاست: «ملت بحمدالله با هم مجتمع شدند و رفع کردند آن دزد اصلی را که امریکاست» (همان، ج ۱۴: ۳۱۳). در نگاه امام "امریکا مادر فاسد" و "اسرائیل فرزند فاسد امریکا" است که هم و غمشان چپاول منابع و مخازن کشورهای دیگر به‌ویژه ممالک اسلامی است: «امریکا و ولیده فاسدش اسرائیل چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست بردار نیستند» (همان، ج ۱۹: ۲۸). البته در استعاره دیگری، امام یادآوری کرده است که این دزد غارتگر در کشور ما به دست مردم انقلابی، دستش بریده شد؛ بنابراین در کشور ما امریکا در هیأت "دزد دست بریده" و "دزد اخراج شده" شناخته می‌شود: «ما دست او را شکستیم و قطع کردیم و از کشور خودمان بیرونش کردیم» (۲۰۰۷، ج ۱۷: ۲۰۹). «امیدوارم کشورهای اسلامی با اتحاد و اتفاق کامل، دست ایدای استعمار شرق و غرب و بخصوص امریکا را از کشورهای خود کوتاه کنند» (همان، ج ۱۲: ۱۵۸). بنابراین امریکا دزد نفت و ذخایر است که ملت با سیلی بر چهره او، وی را از مملکت خویش بیرون رانده است: «اما امریکایی که سیلی خورده است از شما، امریکایی که دل بسته بود به ایران و نفت ایران و ذخایر ایران، این امریکا را شما بیرونش کردید» (همان، ج ۱۵: ۱۱۵) امام دست این دزد را در همه جا ملاحظه کرده است: «هر جا شما دست می‌گذارید دست امریکا آنجاست» (همان، ج ۴: ۴۶۵).

#### "امریکا به‌مثابه شخصی قلدر"

امام(ره) در قالب استعارات تشخیصی "امریکا را به‌مثابه فردی قلدر" معرفی کرده است، که تلاش می‌کند همه نوکرش باشند و با یک تشر او، برخی از حاکمان بزدل عقب نشینی می‌کردند و تسلیم خواسته‌های ظالمانه امریکا و امثال او می‌شدند: «بخواهد ارتش بی‌اذن امریکا این کار را بکند؛ آن‌ها هم همه نوکرند» (همان، ج ۵: ۴۵۸). و «اگر یک مطلبی فرض کنید در یک دولت کوچکی واقع می‌شد برخلاف میل شوروی - مثلاً - یا برخلاف میل امریکا، کافی بود که امریکا یا شوروی یک تشر بزنند. با همان یک تشر، مسئله ختم می‌شد» (همان، ج ۱۳: ۳۰۴). در این استعاره‌ها زورگویی و ستمکاری و بی‌رحمی امریکا برای

شنونده تجلی عینی پیدا می‌کند. این تصویر پرتکراری در زندگی اجتماعی است که فردی زورگو آزادی دیگران را محدود می‌کند، زور می‌گوید و عده‌ای به خصوص برده‌هایش، جسارت تقابل با زورگویی وی را ندارند و او به این زورگویی ادامه می‌دهد. امام از این تجربه اجتماعی استعاره می‌گیرد و زمان سلطه آمریکا بر ملت‌های مختلف را ترسیم می‌نماید.

### "امریکا به مثابه انسان منافق و زشت (بدچهره)"

چهره، نماد زشتی و زیبایی درونی و ظاهری انسان است و صورت به نوعی ویرین وجود و شخصیت انسان است و در گفتارهای انسان از چهره به عنوان رمزی بر خوبی و بدی استفاده می‌کند و از زیبایی و زشتی چهره برای دلالت بر خوبی و بدی شخصیتی و اخلاقی بهره می‌برند. به همین سبب دوچهره بودن کنایه از نفاق است و اصطلاح "دو رو" از همین کنایه ساخته شده است و از آنجایی که بدذاتی و بی‌صداقتی از ویژگی‌های معروف آمریکا و سیاستمداران غربی است، بنابراین امام برای عینی سازی ماهیت زشت و منفور آمریکا، از استعاره هستی شناختی و تشخیصی "امریکا به مثابه انسان زشت چهره" استفاده کرده است؛ چرا که آمریکا یکی از منفورترین کشورها در طول تاریخ است که مردم دنیا تصویر زشت و غیر قابل تحملی از او دارند. امام در پیامی به مناسبت بمب‌گذاری منافقین در یکی از خیابان‌های تهران و کشته و زخمی شدن جماعتی بی‌گناه فرموده است: «انفجار جنایت بار عظیمی که شب گذشته صدای مهیب آن را شنیدیم ... چهره قبیح امریکاییان منافق و منحرف را بیشتر ظاهر کرد» (۲۰۰۷، ج ۱۷: ۱۶). از طرفی دیگر امام (ره) آمریکا را "شخصی با دستان دراز" معرفی می‌کند که دستش برای غارت و ایجاد تفرقه و مداخله در امور دیگران دراز شده است: «کسانی بخواهند اخلاص بکنند و در بین شما یک خلاقی ایجاد بکنند، بدانید که این یک دستی است که از آمریکا دراز شده است، تا اینجا هم آمده است» (همان، ج ۱۹: ۲۴۸). این استعاره تشخیصی ابعاد تفرقه انگیزی و نفاق آمریکا را بازنمایی کرده است.

### امریکا به مثابه شخصی منفور و منزوی

پس از بر ملا شدن ماهیت استعماری و ذات حيله‌گر آمریکا، به‌ویژه با بصیرت‌بخشی و بیدارگری امام (ره) و ملت ایران نسبت به آمریکا انزجار و نفرت خاصی پیدا کردند؛ به‌خصوص وقتی متوجه شدند وقایع و جریان‌اتی مانند کودتای ۲۸ مرداد و کاپیتولاسیون و امثال اینها همه زیر سر آمریکاست. امام این حقیقت را در استعاره تشخیصی و هستی شناختی "امریکا شخصیت منفور و مورد انزجار است" ترسیم و تعریف کرده است: «مع الأسف گمان می‌کنند بعضی که ما منزوی شده‌ایم؛ به واسطه مخالفت با آمریکا، خیر، آمریکا منزوی شد. میزان ملت‌هاست» (همان، ج ۱۳: ۲۷۷). پس آمریکا به مثابه فردی منفور و منزوی است که از طرف ملت ایران طرد شده است، چون ماهیت ستمگر او برای ایرانیان فاش شده است.

### امریکا به مثابه فردی مفت خور و نفت خوار

مفت‌خور و غارتگر نیز، تصویری مشتمل کننده است که تمام ملت‌ها در دنیا از آمریکا دارند و در چند صده اخیر از آمریکا، چیزی جز زورگویی و غارتگری ندیده‌اند که در سایه سلطه آن بر کشورها انجام می‌شود.

ملل منطقه خاورمیانه نیز در مسیر مفت خوری و نفت‌خواری آمریکا، خسارات بی‌اندازه و تلفات انسانی بی‌شماری را متحمل شده‌اند. امام(ره) در استعاره تشخیصی دیگری علت انزوا و نفرت از آمریکا را تلخی سلطه آمریکا بر ملت ایران می‌داند. ایشان آمریکا را چون فردی ظالم، مفت‌خور و نفت‌خوار مجسم کرده است که ملت ایران طعم سلطه و مفت‌خواری را چشیده است. «ملت ما تلخی سلطه اجانب و مفت‌خوران نفت‌خوار، مخصوصاً آمریکا را چشیده است» (همان، ج ۱۰: ۳۹۵). امام به دنبال عزت و اقتدار ایران است و با "مفت‌خوری و سلطه آمریکایی" و در مقابل "جیره‌خواری ملت ایران" نیز ایستاد و فرمود: «می‌خواهند ما را همیشه جیره خوار آمریکا قرار بدهند که همه چیز ما از آمریکا بیاید» (همان، ج ۷: ۷۰). امام با این استعاره، چهره حقارت‌بار آمریکا را در قالب انسانی ذلیل که مفت‌خور است و حیوانی پست که خوراکش نفت دیگران است، به خوبی نمایان ساخته است و با تصویری دیگر حقیقت ماهیت آمریکا را به نمایش می‌گذارد و دوره وابستگی را برای ملت ایران دوره "جیره خواری" ترسیم نموده است.

#### "امریکا به مثابه صیاد شیاد"

استعاره دام و صیاد، یک استعاره جهانی است که در فرهنگ‌های گوناگون کاربرد دارد؛ چون در همه جای دنیا یک تجربه عملی و عینی است. این استعاره قراردادی در کلام امام نیز به کار رفته است، چون در رفتاری که امام از آمریکا دیده است، آمریکا را همانند صیادی حس کرده است که تلاش دارد با دام‌های گوناگون ملت ایران و به‌ویژه جوانان را شکار کند. آمریکا چون صیاد شیادی است که به طرق مختلف دامش را پهن کرده است؛ بنابراین این استعاره تشخیصی هستی‌شناختی، حوزه مبدأ مناسبی برای ترسیم چهره آمریکا به‌عنوان حوزه مقصد است: «دست‌هایی الآن در کار است که از حالا مشغول‌اند، به این‌که نگذارند ملت ما وارد بشود در صحنه. باید وارد بشوید؛ چاره ندارید! ... باید چشمشان را باز بکنند که در دام نیفتند! آمریکا دامش را الآن پهن کرده است در تمام ایران» (همان، ج ۱۵: ۱۹). در تصاویر استعاری امام، "امریکا به‌مثابه شکارچی" و "کشورهای اسلای به‌مثابه طعمه" هستند: «این ممالک (ممالک اسلامی) باید طعمه آمریکا باشد! هر که بهتر این صید را می‌کند، در نظر سنای آمریکا نشان می‌گیرد (همان، ج ۷: ۳۶۱). این استعاره هشدار می‌دهد که هوشیاری خود را در برابر آمریکا احیا نمایند.

#### "امریکا به‌مثابه شخص کلاهبردار غیرقابل اعتماد"

کلاهبردار و توطئه‌گر، چهره ناخوشایند و منفوری نزد همگان دارند، چون اموال و دارایی افراد را می‌ربایند. آمریکا نیز که دائماً اموال، معادن و منابع کشورها را با ترفندهای مختلف می‌رباید، همانند شخص کلاهبرداری است که کارش غارت دیگران است. در این استعاره نیز امام، از حوزه مبدأ "کلاهبردار غیر قابل اعتماد" برای ترسیم چهره منفور و غارتگر آمریکا بهره برده است. این استعاره نیز در فرهنگ‌های مختلف کاربرد دارد: «اگر آمریکا و اسرائیل «لا اله الا الله» بگویند، ما قبول نداریم؛ چرا که آنها می‌خواهند سر ما کلاه بگذارند. آنها که صحبت از صلح می‌کنند، می‌خواهند منطقه را به جنگ بکشند» (۲۰۰۷، ج ۱۵: ۳۳۹). در نگاه امام، غیرقابل اعتماد بودن آمریکا در حدی است که با لا اله الا الله گفتن هم این

بی‌اعتمادی برطرف نمی‌شود، چون خیانت در ذات امریکا است. چنان‌که مشاهده می‌شود کلاهبرداری در کنار سایر رذیلت‌هایی که در استعارات قبلی به‌تصور کشیده شد، مجموعه جامعی از ویژگی‌های مشمئزکننده امریکا را تجلی بخشیده است.

### "امریکا به مثابه دشمن شماره یک و کینه توز"

از آنجایی که همواره "دشمن" بدخواه انسان بوده و به‌دنبال نابودی انسان است، بنابراین همیشه "دشمن" تصویر مورد نفرتی در ذهن همگان دارد. با توجه به اقدامات و موضع‌گیری‌های امریکا علیه ملت ایران، تصویر امریکا در هیات دشمنی کینه‌توز در خاطر ایرانیان حک شده است. امام نیز همین تصویر مطابق با واقعیات را برای عینی سازی دشمنی و کینه توزی امریکا به کار برده است: «امریکا دشمن شماره اول بشر و ما است (همان، ج ۱۱۰: ۳۷۳) و «امریکای حيله‌گر، دشمن شماره یک است و به خون اسلام و استقلالشان تشنه است (همان، ج ۲۱: ۱۷۹). در مفهوم سازی استعاری امام از امریکا، حجم زیاد کینه‌توزی امریکا در قالب یک استعاره هستی‌شناختی، "شیء انگاری" شده و در هیات "دریایی موج" تجسم یافته است که این امواج به طرف ملت ایران هجوم آورده است: «در نهاد و سرشت امریکا، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی موج می‌زند» (همان، ج ۲۱: ۵۲). بنابراین امریکا دشمن قسم خورده ملت ایران است که تلاش دارد اسلام و قرآن را که "مانع تحقق غارتگری" است حذف کند: «امریکا است که وکلا را، یا بی‌واسطه یا باواسطه، بر ملت ایران تحمیل می‌کند. امریکا است که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آن‌ها را از جلو خود بردارد...» (همان، ج ۱: ۴۱).

### حیوان انگاری استعاری

"حیوان انگاری" نیز کاربرد قابل توجهی در گفتمان سیاسی امام دارد. امام از حیوانات و ویژگی‌های حیوانی مانند گرگ، درنده، خونخوار، جهان‌خوار، مار زخم خورده و ... برای تصویر و ترسیم امریکا بهره برده است. در این استعارات ویژگی‌های خاص و مهم درندگان و حیوانات وحشی به امریکا نسبت داده می‌شود، چون رفتار امریکا تجلی بخش همین خصوصیات است. در کنار نمونه‌های زیادی که می‌توان در منظومه فکری امام یافت، در اینجا و در حد گنجایش مقاله به ۴ نمونه بحث برانگیز می‌پردازیم.

### "امریکا به مثابه حیوان درنده و وحشی"

درنده‌خویی و وحشیگری، وجه تمایز درندگان از سایر موجودات است که بیانگر وجه حیوانی و خطرناک آنان است. به همین سبب در زندگی اجتماعی وقتی رفتار غیرمعقول و غیرانسانی یا غارتگری دیده می‌شود، نسبت حیوانی درنده‌خویی به وی داده می‌شود که به معنای تحقیر وی و بیان ویژگی غیرانسانی اوست. این تعبیر استعاری در روابط بین‌الملل هم مصداق و کاربرد دارد. امام (ره) در استعاره‌ای هستی‌شناختی و در قالب حیوان انگاری استعاری، امریکا را موجودی درنده و وحشی معرفی می‌کند که کشورهای تحت سلطه را در چنگال خود اسیر کرده، حق هر گونه انتخابی را از آن‌ها سلب می‌کند. «دیروز

ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال امریکا و عمال آن» (۲۰۰۷، ج ۱: ۴۱). در این استعاره، ذات درنده و وحشی امریکا و سیاستمداران امریکایی در هیات یک جانور بی‌رحم مجسم می‌شود.

در استعاره هستی‌شناختی دیگری از نوع حیوان‌انگاری، امریکا به‌عنوان "درنده‌ای سیری‌ناپذیر" معرفی شده که طعمه خود را بی‌رحمانه می‌بلعد و تا نابودی کامل آن از پای نمی‌نشیند؛ «مهم‌ترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیراسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه‌است موضوع امریکاست. دولت امریکا به‌عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند» (همان، ۱۳: ۲۱۲).

### آمریکا به‌مثابه حیوانی جهان‌خوار

"حیوان‌انگاری" استعاری امریکا در کلام امام(ره) جلوه‌های متنوعی دارد؛ چرا که رفتار و تعاملاتی که امام از امریکا در جهان دیده است، همان رفتار و حرکاتی است که یک حیوان درنده، بی‌رحم و بی‌عقل از خود بروز می‌دهد؛ به همین سبب حیوانی درنده خو، حوزه مبدا مناسب و متناسبی است که این ویژگی امریکا را به تصویر می‌کشد؛ چرا که درندگان نماد قساوت و بی‌رحمی و هجوم هستند و هیچ منطقی نمی‌فهمند و نمی‌توان از آنها انتظار عقلانیت و مروت داشت. علاوه بر این نوعی تمسخر و تحقیر هم در این تعبیر استعاری دیده می‌شود که ناشی از شجاعت و درایت امام در برخورد با امریکاست: «هوشیارانه نقشه‌های شوم جهان‌خواران بین‌المللی را - که در رأس آن امریکاست - افشا کنید» (همان، ج ۱۰: ۱۵۹). و «در این‌گونه ترورهای ناجوانمردانه که به‌وسیله ایادی مزدور بعث عراق صورت می‌گیرد، دست جنایتکار امریکای جهان‌خوار به وضوح پیداست» (همان، ج ۱۲: ۲۷۳). در نگاه امام، امریکا "موجود درنده‌ای است" که اسلام، ایران و ذخایر و منابع آن را از حلقوم این درنده بیرون کشید و نجات داد: «... اسلامی که توانست تمام اینها (ابرقدرتها) را عقب بزند و شکست بدهد و مملکت خودش را از حلقوم اجانب - که در رأس آنها امریکاست، بیرون بکشد» (همان، ۱۰: ۲۴۸). در این استعاره نیز "حیوان‌انگاری" برای تجلی بهتر درندگی امریکا به خدمت گرفته شده است.

### آمریکا به‌مثابه حیوانی خونخوار

"حیوان خونخوار" تصویری مشمئزکننده و منفور در ذهن انسان است و کسی دوست ندارد حتی تصویر صحنه خون‌خوردن حیوان درنده را مشاهده نماید. بنابراین با توجه به عملکرد امریکا در جنگ‌ها و تهاجم گسترده به مردم دنیا و قتل میلیون‌ها نفر از آنها که در حدود ۲۰۰ سال و در بیش از ۲۰۰ جنگی که امریکا ایجاد کرده، تصویر حیوان خونخوار تصویر متناسبی از چهره و وجهه امریکاست. در این استعاره هستی‌شناختی نیز امریکا با یک درنده خونخوار تناظر پیدا کرده است و این کشور استعمارگر موجودی خون‌آشام معرفی شده است که در رأس خونخواران قرار دارد و خود یا ایادی مرموزش، همواره مرتکب خونریزی و خون‌خواری و جنایات وحشتناکی در سراسر دنیا هستند «امریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش،



چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند» (۲۰۰۷: ج ۱۳: ۲۱۲). همچنین امام گاهی ماهیت خونخواری امریکا را در دو استعاره تقابلی استعاره "امریکا به مثابه گرگ" و "کشورهای ضعیف‌تر به مثابه بره" مجسم نموده است: «خیال نکنید که روابط ما با امریکا و روابط ما با شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است، رابطه بره با گرگ رابطه صلاحمندی برای بره نیست» (همان، ج ۱۰: ۳۶۰). در این استعاره نیز حیوان انگاری امریکا به هدف افشاکردن ذات استعمارگر و درنده امریکا صورت پذیرفته است. بنابراین "امریکا حیوان درنده‌ای است" که باید ملت ایران دندان‌هایش را دهانش خرد کند و این کنایه از رویارویی جدی و خشن با ستمگری و غارتگری است: «مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندان‌های امریکا را در دهانش خرد کنند» (همان، ۲۰: ۳۳۰).

#### امریکا به مثابه مار زخم خورده

در روابط اجتماعی وقتی کسی ضربه‌ای خورده یا منافعی جایی از بین رفته و انتظار می‌رود عکس‌العملی داشته باشد و به طرف مقابل ضربه بزند یا انتقام بگیرد، از این استعاره استفاده می‌شود. این استعاره هم دربرگیرنده تحقیر است و هم دربرگیرنده لزوم هوشیاری و آگاهی و آمادگی برای دفاع است. به همین سبب یکی دیگر از استعارات قراردادی "فرد یا کشور ضربه دیده به مثابه مار زخمی" است. در این استعاره هستی شناختی "حیوان انگاری" رخ داده است، چون امریکا که در انقلاب، از ملت ایران ضربه خورده است، در هیأت ماری زخم خورده تصور شده است و از آنجایی که مار زخم خورده تلاش می‌کند در هر فرصتی انتقام بگیرد و به ضربه زننده آسیب برساند، امریکا هم تلاش می‌کند شکستش در برابر انقلاب اسلامی ایران را جبران کرده، به انقلابیون آسیب برساند و منافع ملی ایرانیان را مورد هجوم قرار دهد. در این استعاره شرور و خطرناک بودن امریکا و همچنین تحقیر امریکا در "مارانگاری" امریکا، به طور غیرمستقیم مورد تأکید قرار گرفته است، چرا که مار نماد سم و خطر و شر است: «... می‌دانید که قدرتمندان شرق و غرب خصوصاً امریکای بازیگر، مارهای زخم برداشته از جمهوری اسلامی هستند که از اول انقلاب به هر حيله ممکن دست زدند؛ از حمله نظامی گرفته تا طرح کودتا ...» (همان، ج ۱۹: ۳۷۰).

#### شیء انگاری

شیء انگاری از جمله انواع استعاره هستی شناختی است که مفاهیم را به مثابه اشیاء ملموس و محسوس مجسم می‌نماید. در گفتمان سیاسی امام نیز گاهی امریکا در قالب اشیاء عینیت پیدا می‌کند:

"امریکا به مثابه قدرت پوشالی و طبل توخالی"

امام (ره) به عنوان مصداق فرموده امیرمومنان (ع) در خطبه متقین «عظم الخالق فی اعینهم فصغر مادونه فی انفسهم»، قدرت الهی را فوق همه قدرت‌ها و مسلط بر تمام قدرت‌ها در عالم می‌بیند. به همین سبب

هر قدرتی را مقهور و تحت سیطره قدرت الهی می‌داند. بنابراین ترسی از هیچ قدرتی ندارد. این جهان‌بینی و اعتقاد باعث می‌شود امریکا در نظر امام در هیات شخصیت و قدرتی ضعیف مجسم شود و وقتی از امریکا سخن می‌گوید از استعاره "امریکا قدرتی توخالی است" برای تصویر سازی از امریکا بهره‌برد و این استعاره در همه اظهار نظرهای امام(ره) در خصوص قدرت امریکا دیده می‌شود. بر همین اساس در جمله "امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" از استعاره "امریکا به‌مثابه شخصیتی ناتوان" استفاده نموده است. همچنین در عبارت "امریکا خیال نکند که با دخالت نظامی می‌تواند کاری بکند یا با حصر اقتصادی می‌تواند کاری بکند" (۲۰۰۷، ۱۲: ۳۹۸).

در همین راستا استعاره هستی‌شناختی و ماده‌انگاری "امریکا طبل توخالی است" نیز در کلام امام(ره) به‌کار رفته است و در آن، حوزه مبدأ طبل توخالی که نماد هیاهوی بدون پشتوانه است، به خوبی به‌کار رفته است: "ملت‌ها خوف نداشته باشند که امریکا چه می‌کند، اینها طبل توخالی هستند، فریاد می‌زنند و عمل نمی‌کنند" (همان، ۱۹: ۳۱۹). در بیان دیگری از امام، ضعف امریکا در مقابل امام در استعاره تشخیصی "امریکا فردی رسوا و متحیر" تجلی یافته است: «امریکا با همه ادعاهایش ... و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود!» (همان، ۲۱: ۳۹۹).

### "امریکا به‌مثابه بار سنگین بر دوش ملت ایران"

با توجه به ضربات زیادی که امریکا در دهه‌های متوالی، بر منافع ملت ایران در همه حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وارد کرده است و خسارات هنگفتی به بار آورده است، همان حوزه بار سنگین را که در تجربه زندگی بشری تجربه ناگوار و تلخی است، به‌عنوان حوزه مبدا برای ترسیم ماهیت امریکا استفاده کرده است. در این استعاره امام ره، سلطه امریکا را تشبیه به بار سنگینی می‌کند که سال‌های سال بر ما آوار شده است: «سال‌های طولانی زیر بار غرب بودیم، زیر بار امریکا بودیم» (همان، ج ۶: ۳۳۰). در این "شیء‌انگاری" استعاری امریکا در هیات بار و وبال گردن ملت ایران معرفی شده است.

### نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده دال بر این است که استعاره دارای کاربرد گسترده و مؤثری در ادبیات سیاسی است و نقشی اساسی در تولید معنا و انتقال پیام‌های سیاسی در بیانات امام خمینی(ره) دارد. با تأمل در بیانات امام(ره) در می‌یابیم که استعاره با تسهیل فهم مسائل سیاسی برای مخاطبان، کمک کرده است تا امام بصیرت سیاسی مخاطب را تقویت نماید و احساسات ضد استعماری وی را برانگیزد.

انواع گوناگون استعاره‌های مفهومی در متن صحیفه نور، در راستای شناساندن ماهیت واقعی امریکا نمود یافته‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که امام، امریکا را در قالب استعارات پی در پی به عنوان "دشمن شماره یک و کینه توز، مار زخم خورده، شخص کلاهبردار و غیرقابل اعتماد، صیاد شیاد، فردی مفت خور

و نفت خوار، شخصی منفور و منزوی، شخصی قلدر، انسان منافق و زشت (بدچهره)، پدر بزرگ زورگو و ستمگر داغدیده، شخص دزد و غارتگر، سردسته قصاب‌ها، مجرم اصلی، حیوانی خونخوار، فردی جنایتکار و توطئه‌گر، حیوانی جهانخوار، شخص لات پرهیاهو و عربده کش و تهی مغز، بار سنگین بر دوش ملت ایران، ارباب، قدرت پوشالی و طبل توخالی، فرد یا موجودی سلطه طلب و زورگو، حیوان درنده و وحشی و شیطان بزرگ " مفهوم سازی عینی کرده است.

با تأمل در نمونه‌های بررسی شده و استعارات استخراج شده فوق مشخص می‌شود اولاً امام از تشخیص (شخصیت بخشی) بیشترین بهره را برده است. همچنین حیوان انگاری ماهیت، رفتار و عملکرد امریکا نیز استعارات فراوانی را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این نمادهای مذهبی مانند شیطان و ابلیس نیز در عینیت بخشی به مفاهیم انتزاعی ایفای نقش کرده است. کانون و نقطه تمرکز اغلب استعارات را ستمگری، غارتگری، فریبکاری، دشمنی و ضعف امریکا در مقابل مؤمنین تشکیل داده است. بنابراین در کلام سیاسی امام(ره) شاهد بودیم که ایشان سعی می‌کنند که بسیاری از مفاهیم انتزاعی مختص به ماهیت و سیاست امریکا را در چارچوب مفاهیمی ملموس و عینی قرار دهند. امام(ره) با استفاده از ابزار استعاره مفهومی، علاوه بر تسهیل تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی برای مردم، نگرش و دیدگاه و تجربه خود را در شناخت امریکا، برای ملت ایران تبیین نموده است. به همین سبب می‌توان گفت استعارات امام، باعث شناخت هر چه بهتر امریکا شده است.

## References

- Afarashi, A; Hesami. (2012) "Conceptual metaphors in a new classification based on examples from Persian and Spanish languages"; Researches in comparative linguistics, vol.3, no 5: 146-161.
- AyinehVand, B. (2012) A critical-cognitive study of the phenomenon of metaphor in Iran's political discourse. Master's Thesis, General Linguistics Department, Isfahan University. (In Persian)
- Beard, A. (2000). *The Language of Politics*. London: Routledge.
- Beard, Adrian (2000). *The Language of Politics*. London: Routledge.
- Bin Dahman, O. (2015). *The Theory of Imaginary Metaphor and Literary Speech*, Ruyyah Llanshar va Al-Tawziyeh, Vol. 1, Tizi Ouzo, Algeria.(in Arabian)
- Dara, J.A. Babaei. (2018). "An objective explanation of the concept of arrogance in the political thought of Imam Khomeini (RA) in the study of the relationship between Iran and America". Scientific-research quarterly of social theories of Muslim thinkers, ninth year, second issue, fall and winter 2018. Vol. 9: 37-56. (In Persian)
- Faraji, Y. A. Haghghi, A. Mohtasham. (2017). "Quranic foundations of Imam Khomeini's (RA) saying that America is the great devil". The 11th International Conference on Quranic Studies. Qom.

- Gulfam, Arslan and Yousefi Rad, Fatemeh (2002). "Cognitive Linguistics and Metaphor", Cognitive Sciences News (3) 4, 59-64. (In Persian)
- Jalilian, S. (2017). "The nature of the West from the point of view of Imam Khomeini (RA) and its reflection in the discourses of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (1357-68)" Poeish Quarterly in Humanities Education, V 4, No. 11:56-70. (In Persian)
- Jelodarian, A; esmaili. (2019) "Investigation of the correctness or incorrectness of the use of rhetorical techniques and conceptual metaphors in news". Stylistics of Persian poetry and prose (Bahar Adab), vol.4: no.13, 1-25. (In Persian)
- Karimova, V. (2015). *Metaphor in Political Discourse*. Master Thesis in Linguistics, Khazar University, Baku.
- Karimova, V. (2015). *Metaphor in Political Discourse*. Master Thesis in Linguistics, Khazar University, Baku.
- Khomeini. R. (2007). *Sahifa Noor Imam*, Imam Khomeini (r.a.) Editing and Publishing Institute, Tehran. (In Persian)
- Kochesh, Z. (2013). *A practical introduction to metaphor*; Translator: Shirin Pourabraham; Tehran: Side.
- Kochesh, Zeltan (2014). *Metaphor in culture*; Worlds and diversity; translator Nikta Tzam; Tehran: Siahroud. (In Persian)
- Lakoff, G. (1996). *Moral Politics: How Liberals And Conservatives Think?* Chicago: The University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1996). *Moral Politics: How Liberals And Conservatives Think?* Chicago: The University of Chicago Press.
- Lakoff, G. A. Johnson. (2009) *Al-Istaarat al-Ti Nahiya Baha*, translated by Abdul Majid Jahfa, Dar Toubqal Lalanshar, Maghreb. (In Persian)
- Likoff, George and Johnson, Mark. (1980). *The Metaphors We Live With*. Translated by Jahanshah Mirzabigi, first edition, 2017, Tehran: Aghat Publications. (in Persian)
- Nikrosh, M. (1401). "Analysis of the theme of "the nature of America's actions against Iran" in the speech of Imam Khomeini (RA); (The case of analyzing messages and statements in the 40s and 50s)". Two Quarterly History of the Revolution, Vo. 5, No 1-4. (In Persian)
- Qurbani Sheikh Nashin, Arsalan. (2017). "The Interlanguage of Metaphor in the Discourse of International Politics", Researches of International Relations. No. 1: 9-32. (In Persian)
- Vestermark, I. (2007). *Metaphors in Politics, a Study of the Metaphorical Personification of America in Political Discourse*. Independent Thesis Degree of Bachelor, Department Of Languages and Culture, Luleå University of Technology.
- Vestermark, I. (2007). *Metaphors in Politics, a Study of theMetaphorical Personification of America in Political Discourse*. Independent Thesis Degree of Bachelor, Department Of Languages and Culture, Luleå University of Technology.